

The Impact of Human Rights Principles on Immunity from  
Arbitrary Arrest and Detention in Iranian Law and Politics

Mohammad Saeedi<sup>1</sup>

Received: 12 January 2025

Bizhan Abbasi<sup>2</sup>

Reception: 26 Marchy 2025

Vali Rostami<sup>3</sup>

Abstract:

Immunity from arbitrary arrest and detention is one of the fundamental principles of human rights and a key element of justice and individual freedom. Human rights principles, especially those contained in the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights, directly emphasize the need to respect individual freedom and prevent arbitrary arrest and detention. In practice, there are cases of violations of these principles, which are often due to arbitrary arrests in specific political and social conditions, restrictions on access to a lawyer, and delays in trials. The present article attempts to answer the question "How can human rights principles lead to the reform of Iranian domestic laws in the field of immunity from arbitrary arrest and detention in Iranian law?" through a descriptive-analytical study and using library tools. Although human rights principles, particularly those stipulated in the Universal Declaration of Human Rights (Article 9) and the International Covenant on Civil and Political Rights (Article 9), emphasize that no one shall be arbitrarily arrested or detained without legal grounds and without the guarantee of a fair trial, in Iranian law, immunity from arbitrary arrest and detention is enshrined in several principles of the Constitution, such as Article 32, which prohibits unjustified arrests and the need for a legal order for imprisonment, and Article 36, which emphasizes the observance of fair trial rules.

---

<sup>1</sup>PhD student in Public Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>2</sup>Dean of Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding author)

<sup>3</sup>Dean of Tehran University, Tehran, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.499562.1212>

تأثیر اصول حقوق بشر بر مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه  
در حقوق و سیاست ایران

محمد سعیدی <sup>۱</sup>ID تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

بیژن عباسی <sup>۲</sup>ID تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

ولی رستمی <sup>۳</sup>ID

چکیده:

مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه یکی از اصول بنیادین حقوق بشر و یکی از عناصر کلیدی عدالت و آزادی فردی است. اصول حقوق بشر به ویژه آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است، مستقیماً بر ضرورت احترام به آزادی فردی و جلوگیری از دستگیری و بازداشت خودسرانه تأکید دارد. در عمل، مواردی از نقض این اصول دیده می‌شود که غالباً ناشی از دستگیری‌های خودسرانه در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی، محدودیت در دسترسی به وکیل و تأخیر در محاکمه‌ها است. نوشتار پیش روی تلاش دارد با بررسی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای بدین سوال "چگونه اصول حقوق بشر می‌تواند موجب اصلاح قوانین داخلی ایران در زمینه مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه در حقوق ایران شود؟" پاسخ دهد. گرچه در اصول حقوق بشر، به‌ویژه آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۹) و کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹) تصریح شده، تأکید می‌کند که هیچ فردی نباید به‌طور خودسرانه و بدون داشتن دلایل قانونی و بدون تضمین محاکمه عادلانه توقیف یا بازداشت شود. در حقوق ایران، مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه در اصول متعدد قانون اساسی، نظیر اصل ۳۲ که بر ممنوعیت دستگیری‌های غیرموجه و لزوم حکم قانونی برای حبس تصریح دارد و اصل ۳۶ که تأکید بر رعایت قواعد عادلانه محاکمه دارد و ازگان کلیدی: آزادی رفت و آمد، بازداشت خودسرانه، دستگیری، حقوق بنیادین بشر، مصونیت.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) [babbasi@ut.ac.ir](mailto:babbasi@ut.ac.ir)

<sup>۳</sup> دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران

تامین و تضمین امنیت قضایی شهروندان از جمله مسائل مهمی است که در پرتو اصول دادرسی منصفانه نظیر اصل برائت، اصل انتظار مشروع و ... با هدف حمایت از حقوق مادی و معنوی شهروندان به کرات با پشت سرگذاشتن تحولات و توسعه نظام ها و مفاهیم حقوقی و پیچیدگی های بسیار به نظام قضایی ورود کرده است. تامین و تضمین امنیت قضایی دو واژه متفاوت در مفهوم است. تامین قضایی ناظر به کمبودها، نارسایی ها و مشکلاتی است که تمامیت و موثر بودن نظام قضایی را خدشه دار می سازد نظیر اشتباهات قضات در فرایند رسیدگی و تضمین امنیت قضایی ناظر به تهدیدات آسیب رسانی بیرونی بر سیستم است. بنابراین پیچیدگی قوانین، تکثر و فراوانی آنها و تعارض بین آنها و نظایر این گونه معایب و نارسایی ها، از اموری هستند که شهروندان باید در قبال آن از تامین قضایی بهره مند شوند و در مقابل آن، عواملی همچون استقلال قضات یا استقلال قوه قضاییه، به منظور تامین حقوق تمامی افراد، فارغ از ویژگی های عارضی از قبیل رنگ، نژاد، ملیت و غیره در برابر یکدیگر و قوای حاکم از یک سلسله حقوق بنیادین من جمله حق آزادی، برابری، حیات و تمامیت جسمانی، ممنوعیت شکنجه، مصونیت از سلب آزادی و بازداشت غیر قانونی و غیره از مواردی است که باید تضمین گردد. فصل سوم قانون اساسی بر همین اساس، به مساله ضرورت تامین امنیت قضایی و تضمین آن توسط قوه قضاییه پرداخته است، زیرا هدف امنیت قضایی، رسیدن به عدالت قضایی است که اثر آن ایجاد اعتماد شهروندان به قانون و نظام قضایی است تا در چارچوب آن اشخاص از آسودگی خاطر و احساس امنیت در تضمین و احقاق حقوق و آزادی های خود برخوردار شوند. اصل ۱۵۶ قانون اساسی، وظیفه پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی همچنین تحقق عدالت را بر عهده قوه قضاییه نهاده است. در راستای ایفای این نقش، اشخاص حق دارند از آثار و نتایج حقوقی و قضایی رفتار و اعمال خود و دیگران در حدود قانون آگاه باشند. مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه یکی از اصول بنیادین حقوق بشر و عنصر کلیدی در حفظ آزادی و کرامت انسانها است. این اصل به ویژه در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۹) و کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹) به طور صریح بیان شده است که هیچ فردی نباید به طور خودسرانه دستگیر یا بازداشت شود. هدف این تحقیق بررسی تأثیر این اصول بر قوانین داخلی ایران و امکان اصلاحات برای

جلوگیری از دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه در این کشور است. بررسی تطبیقی با اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که تقویت نقش نظارتی دستگاه قضا و نهادهای حقوق بشری داخلی می‌تواند به کاهش موارد نقض حقوق و بازداشت‌های خودسرانه کمک کند. اجرای مکانیزم‌های نظارتی مستقل، مشابه آنچه در کشورهای پیشرفته تر معمول است، می‌تواند در این زمینه موثر باشد. لذا تحلیل تطبیقی قوانین نشان می‌دهد که ضروری است ضمانت‌های قانونی قوی‌تری برای حمایت از حقوق بازداشت‌شدگان، مانند حق دسترسی سریع به وکیل و محاکمه عادلانه، در قوانین ایران ایجاد شوند تا هم‌راستا با استانداردهای بین‌المللی باشند.

۱- مفهوم دستگیری و بازداشت خودسرانه و مصادیق آن  
ارائه مفهوم دستگیری و بازداشت خودسرانه و بیان مصادیق آن به منظور درک میزان تاثیر پذیری قوانین ایران از اصول حقوق بشری حایر اهمیت است.

۱-۱ مفهوم دستگیری و بازداشت خودسرانه  
بازداشت در فرهنگ معین به معنی منع، ممانعت، جلوگیری، توقیف، و حبس آمده است. (معین، ۱۳۸۲: ۱۱۲۱) هرچند که در اسناد بین‌المللی اغلب اصطلاحات به طور مشخص تعریف نشده‌اند، اما در برخی اسناد حقوق بشری تعاریف مشخصی ارائه شده است. به عنوان نمونه، می‌توان به تعریف بازداشت در «مجموعه اصول برای حمایت از تمامی اشخاص تحت هرگونه بازداشت یا حبس» اشاره کرد. این سند توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۸۸ و طی قطعنامه شماره ۱۷۳/۴۳ تصویب شده است. در مقدمه این سند تحت عنوان «کاربرد واژه‌ها»، بازداشت به عنوان وضعیت اشخاصی تعریف شده است که به دلیلی غیر از مجرم شناخته‌شدن یا محکومیت به جرم، از آزادی شخصی محروم شده‌اند. (محمدی کشکولی، ۱۳۹۸: ۴۵) به طور کلی، در واژه‌شناسی حقوق بشر بین‌المللی، اصطلاح «بازداشت» به دوره‌ای از محرومیت یا سلب آزادی شخصی اطلاق می‌شود که از زمان دستگیری یا توقیف آغاز شده و تا زمانی که شخص در نتیجه محکومیت نهایی به جهت اقدام مجرمانه‌اش زندانی یا آزاد شود، ادامه می‌یابد. (همان)

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، تعریف بازداشت در مقررات مختلف به‌طور خاصی بیان شده است. در این زمینه، تعاریف مختلفی برای بازداشت وجود دارد که از لحاظ قانونی اهمیت ویژه‌ای دارند. این

تعاریف در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و قوانین دیگر آمده است. در زیر برخی از تعاریف مختلف بازداشت آورده شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، بازداشت موقت به معنای «در توقیف نگهداشتن متهم در طول تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی» است که ممکن است تا خاتمه دادرسی و صدور حکم نهایی ادامه یابد. به عبارت دیگر، در این نوع بازداشت، فرد متهم به جرم، تا زمان صدور حکم قطعی و اجرای آن در بازداشت قرار می‌گیرد. این بازداشت به‌طور موقت است و هدف آن پیشگیری از فرار یا اخلال در روند تحقیقات است. (صادقی زیاری و ابراهیمی منش، ۱۳۹۳: ۱۸۹) در برخی منابع قانونی دیگر نیز، بازداشت به این صورت تعریف شده است: «بازداشت متهم عبارت است از سلب آزادی و زندانی کردن او در جریان تحقیقات مقدماتی، توسط مقام قضایی صالح». در این تعریف، تأکید بر تحقیقات مقدماتی و اقدام قضایی برای بازداشت متهم وجود دارد، به‌ویژه برای جلوگیری از فرار یا ایجاد موانع برای کشف حقیقت. (همان) مطابق با قانون استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بازداشت ممکن است در نتیجه قرارهای صادره از مراجع قضایی صورت گیرد و فرد تحت نظر در بازداشتگاه‌ها یا محل خدمت نگهداری شود. این نوع بازداشت، معمولاً در موقعیت‌های خاصی که به امنیت ملی یا ملاحظات خاص مربوط می‌شود، اعمال می‌شود. (عباسی، ۱۳۹۵: ۳۴) با توجه به این تعاریف مختلف می‌توان گفت که بازداشت در مفهوم کلی، به وضعیت خاصی اطلاق می‌شود که در آن فرد از آزادی خود محروم شده و در مکان‌های محدود و محصور نگهداری می‌شود. این وضعیت از زمان دستگیری یا توقیف آغاز می‌شود و تا زمانی که فرد از آزادی خود بهره‌مند نشود یا محکومیت قطعی وی صادر گردد، ادامه می‌یابد. در طول مدت بازداشت، فرد اجازه ندارد مکان محدود شده را ترک کند، مگر با مجوز مراجع قضایی ذیصلاح.

مفهوم بازداشت خودسرانه که در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره شده است، چالشی اساسی در نظام‌های حقوقی مختلف است. طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بازداشت خودسرانه به معنای بازداشت افرادی است که بدون دلایل قانونی و بدون حکم قضایی معتبر یا موجه، از آزادی خود محروم می‌شوند. این نوع بازداشت مخالف حقوق بشر است و یکی از حقوق اساسی که در بسیاری از اسناد بین‌المللی بر آن تأکید شده، جلوگیری از هرگونه بازداشت خودسرانه است. (جزایری، ۱۳۹۴: ۵۷) از سوی دیگر، در ماده

۵۸۳ قانون مجازات اسلامی، عبارت «توقیف» و «حبس» به‌طور مشخص به‌کار رفته‌اند. اگرچه این دو واژه به‌طور عمومی به معنای محدود کردن آزادی فرد هستند، ولی در نظام حقوقی ایران و در این ماده به‌طور خاص، معنای حقوقی متفاوتی دارند. توقیف در این زمینه معمولاً به معنای حبس موقت یا بازداشت بدون حکم قضائی است. این واژه به مواردی اطلاق می‌شود که شخص بدون حکم قضائی یا در شرایطی که قانون اجازه نداده، از سوی مأمورین یا مقامات بازداشت می‌شود. در این حالت، فرد تحت بازداشت قرار می‌گیرد، اما هنوز حکم نهایی در مورد وضعیت قانونی وی صادر نشده است. به‌عبارت دیگر، توقیف زمانی رخ می‌دهد که فرد در اختیار مقام‌های مسئول قرار گیرد، ولی هنوز مجرم شناخته نشده و پرونده‌اش در حال بررسی است. حبس به معنای زندانی شدن است که معمولاً در پی صدور حکم قضائی صادر می‌شود. در این حالت، فرد به‌طور قانونی و با حکم قضائی در زندان نگهداری می‌شود. در این زمینه، حبس همواره باید بر اساس حکم قطعی از دادگاه صورت گیرد و در غیر این صورت ممکن است جنبه غیرقانونی پیدا کند. (همان) قانونگذار در ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی از این دو واژه به‌طور ویژه برای توصیف بازداشت غیرقانونی استفاده کرده است. در واقع، این ماده بر این نکته تأکید دارد که هر گونه توقیف یا حبس بدون حکم مقام صالح قانونی (مانند دادگاه) جرم است. بنابراین، به‌کارگیری کلمه «حبس» در کنار «توقیف» در این ماده به معنای جرم‌انگاری عمل کسانی است که نه تنها اقدام به بازداشت غیرقانونی افراد می‌کنند، بلکه ممکن است از مقام‌های قضائی یا دولتی هم برای صدور دستور بازداشت استفاده کنند. به نظر می‌رسد عبارت «بازداشت غیرقانونی» به‌طور کلی و بدون نیاز به تفاوت‌گذاری میان توقیف و حبس، تمام موارد نقض آزادی شخص را پوشش می‌دهد. به عبارت دیگر، واژه «بازداشت» می‌تواند شامل تمامی مواردی شود که در آن، فرد به‌طور غیرقانونی از آزادی خود محروم می‌شود، چه این محرومیت به‌صورت موقت (توقیف) باشد، چه به‌صورت دائمی (حبس). همچنین، استفاده از اصطلاح «بازداشت غیرقانونی» به‌جای «توقیف» و «حبس» در ماده ۵۸۳ از یک سو می‌تواند مفهومی جامع‌تر و ساده‌تر به قانون بدهد و هر نوع محدودیت آزادی فرد را دربرگیرد. از سوی دیگر، با توجه به تفاوت‌های حقوقی موجود میان توقیف و حبس، استفاده از این اصطلاحات دقیق می‌تواند به وضوح وضعیت‌های مختلف را تفکیک کند. (رحمدل، ۱۳۹۴: ۱۶۵) در حقیقت، در برخی

مواقع، ضروری است که قانونگذار میان انواع مختلف نقض حقوق آزادی افراد تمایز قائل شود. مثلاً در مواردی که دستور بازداشت به‌طور غیرقانونی صادر می‌شود، این نکته باید به‌طور صریح مشخص گردد که مسئولیت قانونی بر عهده فردی است که دستور غیرقانونی صادر کرده است. این تفاوت‌ها می‌توانند در مرحله پیگیری‌های حقوقی و تعیین مجازات‌ها نیز تأثیرگذار باشد.

## ۲-۱ مصادیق بازداشت خودسرانه

جرایم علیه آزادی شخص، که اصطلاحاً به «بازداشت غیرقانونی» معروف هستند، به‌اعتبار شخصیت مرتکب به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- بازداشت غیرقانونی توسط اشخاص عادی: مطابق ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی «هر فردی اعم از مقامات یا مأمورین دولتی، نیروهای مسلح یا افراد عادی، اگر بدون مجوز صادره از مقامات صلاحیت‌دار و خارج از مواردی که قانون جلب یا توقیف افراد را مجاز می‌داند، شخصی را توقیف، حبس کند یا به‌زور در محلی پنهان نماید، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

۲- صدور دستور بازداشت غیرقانونی توسط قضات و دیگر مأمورین ذی‌صلاح: در این دسته، جرایم شامل مواردی می‌شود که مقامات قضایی و مأمورین دولتی دستور بازداشت غیرقانونی را صادر می‌کنند.

۳- بازداشت غیرقانونی توسط مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی: دسته سوم شامل جرایمی است که توسط مقامات و مأمورین وابسته به نهادهای دولتی و حکومتی انجام می‌شود.

این تقسیم‌بندی به‌روشنی انواع مختلف جرایم مرتبط با بازداشت‌های غیرقانونی را بر اساس شخصیت متخلفین مشخص می‌کند و تأکید دارد که ارتکاب چنین جرایمی توسط هرکسی مجازاتی دارد. (چاله چاله، ۱۳۸۹: ۵۶)

۲- ضرورت بررسی منع بازداشت خودسرانه در چارچوب اصول حقوق بشر

اصول حقوق بشر می‌توانند از طریق اصلاحات قانونی و ساختاری در سیستم قضائی ایران موجب کاهش موارد دستگیری‌ها و بازداشت‌های

خودسرانه شوند. این اصلاحات نه تنها بر اساس تعهدات بین‌المللی ایران در قبال حقوق بشر، بلکه در جهت ارتقاء عدالت و کرامت انسانی در داخل کشور می‌تواند به‌طور مؤثر عمل کند. ایران با انجام این اصلاحات قادر خواهد بود به یک سیستم قضائی عادلانه‌تر و شفاف‌تر دست یابد که حقوق فردی شهروندان را بهتر محافظت کند و در سطح بین‌المللی جایگاه بالاتری در زمینه حقوق بشر داشته باشد. ماده پنجم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شکل ویژه بر خطرات ناشی از دخالت دولت‌ها در آزادی‌های فردی و جمعی تأکید دارد. بر اساس این ماده: «هیچ یک از مواد این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که بر اساس آن، حقی برای کشوری، گروهی یا فردی به منظور انجام فعالیت یا عملی که منجر به از بین رفتن حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق شود، یا محدودیت‌هایی فراتر از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است، ایجاد نماید.» این ماده توجه ویژه‌ای به جلوگیری از سوءاستفاده دولت‌ها از قدرت خود برای محدود کردن آزادی‌های مورد تأیید این میثاق دارد. به علاوه، تعهد به قوانین حقوق بین‌الملل عمومی راهکار مناسب‌تری در مقایسه با حقوق بین‌الملل خصوصی و حتی حقوق داخلی کشورها برای حمایت از آزادی‌های فردی و جمعی ارائه می‌کند. (علیخواه، ۱۳۹۸: ۱۱۲) اگرچه دولت‌ها برای نظم‌دهی به امور داخلی اتباع خود قوانین مشخصی دارند، در مواقع تعامل اتباع داخلی با اتباع خارجی، ایجاد نظامی برای تعیین صلاحیت قانونی و قضایی ضروری است. این نوع نظام قانونی که تحت عنوان حقوق بین‌الملل خصوصی شناخته می‌شود، در بسیاری از موارد با حقوق مشابه در سایر کشورها دچار تعارض می‌شود، چرا که هر کشور قواعد خاص خودش را دارد. (همان) برای کاهش این تعارض‌ها، تعیین حدود و تحدید حقوق بین‌الملل خصوصی در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل عمومی ضرورت پیدا می‌کند، زیرا بدون استفاده از چارچوب حقوق بین‌الملل عمومی، رفع این تعارض‌ها امکان‌پذیر نیست. با انطباق صحیح حقوق بین‌الملل خصوصی دولت‌ها با حقوق بین‌الملل عمومی، مشروعیت صلاحیت قضایی و قانونی کشورها به شکل مطلوب‌تری مشخص می‌شود و به این ترتیب، حقوق بین‌الملل می‌تواند به عنوان حافظی مؤثرتر برای آزادی‌های فردی و جمعی عمل نماید. (ویکتور کاند: ۱۹۰: ۲۰۰۲) از آنجا که بازداشت خودسرانه تهدیدی جدی برای آزادی‌های فردی است، در بسیاری از اسناد حقوق بشری، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تلاش شده تا از آن جلوگیری شود.

این میثاق و بسیاری دیگر از اصول حقوق بشری به صراحت بیان می‌کنند که هرگونه بازداشت یا دستگیری باید با حکم قانونی و تحت نظارت مقامات قضایی انجام شود و در غیر این صورت، به‌عنوان نقض حقوق بشر محسوب می‌شود. در مذاکرات مربوط به تدوین ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مفهوم بازداشت و همچنین خطرات آن برای آزادی فردی به دقت بررسی شد. دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی همواره سعی کرده‌اند تا از اقدامات خودسرانه که به آزادی افراد آسیب می‌زنند، جلوگیری کنند و سیستم‌های نظارتی و قضایی را تقویت کنند. (همان) در نهایت، می‌توان گفت که بازداشت در تمامی نظام‌های حقوقی به معنای محرومیت از آزادی و محدود کردن دسترسی به حقوق فردی است. تفاوت در نحوه تعریف و اجرای آن، بستگی به قوانین داخلی کشورها و همچنین سازوکارهای نظارتی بین‌المللی دارد. در هر حال، قوانین بین‌المللی، از جمله میثاق‌های حقوق بشری، بر لزوم قانونی بودن بازداشت و مجاز بودن آن تأکید دارند و بازداشت‌هایی که بدون حکم قضائی صورت گیرد، به‌عنوان خودسرانه شناخته می‌شوند و با نقض حقوق بشر همراه خواهند بود.

۳- بررسی اصول حقوق بشر در مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه در تطبیق اسناد بین‌المللی و حقوق ایران

در بررسی اصول حقوق بشر در مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه تلاش می‌شود این اصول با سند امنیت قضایی بعنوان یکی از اقدامات اجرایی مثبت صورت گرفته در دستگاه قضایی از منظر حقوق عمومی بررسی شود.

#### ۱-۳ اصل برائت

یکی از اصول مورد تأکید در سند امنیت قضایی، مرتبط با فصل سوم قانون اساسی، اصل برائت است. این اصل در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تحت عنوان بخشنامه حقوق شهروندی نیز در دستور کار قوه قضاییه قرار داشت. در سند امنیت قضایی، با تأکید بر آزادی و امنیت شخصی، ممنوعیت شکنجه، رعایت حقوق دفاعی متهم، حفظ حریم خصوصی، اصل برائت و امنیت فردی، این اصول با نوآوری‌هایی بیان شده‌اند. سند مذکور با توجه به اصل تمرکز بر امور قضایی و پرهیز از تصدی امور غیرقضایی، بر این نکته

تأکید دارد که قضات دادگاه‌ها و ضابطین دادگستری براساس اصل برائت در ماده ۲۰ موظفند کسی را پیش از صدور حکم قطعی محکوم تلقی نکنند و باید اصل را بر برائت بدانند. اصل برائت با تدابیری مانند حفظ امنیت روانی، فیزیکی و ثبات اجتماعی و معنوی و حمایت از بزه‌دیدگان، از مبانی فلسفی و ایدئولوژیکی سند امنیت قضایی است، زیرا حمایت از بزه‌دیده در مکاتب الهی، بخصوص اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد و به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق جزا مطرح شده است. این حمایت در اندیشه اسلامی، هم از طریق حمایت‌های قانونی و قضایی و هم از طریق حمایت‌های مادی و معنوی در شمار اساسی‌ترین تکالیف شرعی با محوریت کرامت انسانی محسوب می‌شود.

با این حال، در آموزه‌های حقوق اساسی ایران به‌ندرت به تحلیل علمی امنیت پرداخته شده و اغلب تعاریف کلی و شعارگونه ارائه می‌شود. همچنین، در این آموزه‌ها تمایزی بین امنیت شخصی و حریم خصوصی قائل نشده‌اند و در ادبیات حقوقی ایران، تداخل مفاهیمی مانند مصونیت، حریم شخصی و امنیت به چشم می‌خورد. بخشی از این ابهام به ماهیت قوانین سیاسی، از جمله قانون اساسی و مقررات مرتبط با نهاد امنیت برمی‌گردد که با نگارشی انتزاعی و کلی، اختلاط و سردرگمی ایجاد کرده‌اند. مفهوم عام و گسترده امنیت شخصی، همراه با ارتباط اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۲، ۳۳ و ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به روشن کردن مفهوم حق امنیت کمک کند. با این حال، عدم بیان صریح مفهوم امنیت در قانون اساسی و اختلاط مفهوم امنیت انسانی و امنیت قضایی، اصل ۲۲ را با چالش مواجه کرده است؛ چرا که این اصل، امنیت انسانی را در دامنه‌ای وسیع از حقوق و آزادی‌های بنیادین حمایت می‌کند، در حالی که مصادیق متعدد آن را بی‌پاسخ گذاشته است. (رهامی و ابانکاه، ۱۳۹۰: ۸۳)

در قانون آیین دادرسی کیفری سابق، نمی‌توان عبارتی یافت که به‌صراحت اصل برائت یا بی‌گناهی را تأیید کند. در واقع، این قانون حتی در برخی موارد، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، اصل برائت را زیر سؤال برده بود، به‌ویژه با تجویز بازداشت موقت برای متهمین. ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری سابق بیان می‌کرد که «آیین دادرسی کیفری مجموعه‌ای از اصول و مقررات است که برای کشف و تحقیق جرائم و تعقیب مجرمان وضع شده است». ماده ۳ نیز اشاره داشت به «تعقیب

متهم و مجرم...". این عبارات می‌توانست با اصل برائت مغایرت داشته باشد، زیرا تا زمانی که محکومیت فرد در دادگاه صالح به اثبات نرسیده، او باید بی‌گناه فرض شود. اطلاق عناوینی چون مجرم، جانی و تبهکار به افراد تحت تعقیب می‌تواند توهین‌آمیز باشد و با اصل سی‌ونهم قانون اساسی مغایرت دارد. (خاکپور، ۱۰۴:۱۳۹۶)

خوشبختانه با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید، این نقص‌ها اصلاح شدند. در تعریف جدید، ماده ۱ این قانون بیان می‌کند: "آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم و تعقیب متهم وضع شده است". تغییر واژه مجرم به متهم در این تعریف، نشان از پذیرش قوی‌تر اصل برائت دارد. همچنین این اصل در ماده ۴ قانون جدید به‌طور خاص ذکر شده است: "اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت، این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند." این تغییرات در قانون جدید به معنای تقویت حقوق متهمان است و به وضوح نشان می‌دهد که برخوردهای توهین‌آمیز یا غیرقانونی با متهمان بی‌گناه، با توجه به مواد ۴ و ۱۴ این قانون، قابل پیگیری و مطالبه است. این تغییرات به رعایت بیشتر اصول حقوق بشر و کرامت انسانی در نظام قضائی کمک می‌کند.

## ۲-۳ اصل کرامت انسانی

کرامت انسانی به‌عنوان مبنای اصلی حقوق بشر و پایه هر نوع حق و تکلیف در نظر گرفته می‌شود. این کرامت، به‌عنوان پایه‌ای اولیه و ضروری برای تحقق حقوق بشر، جایگاهی بسیار مهم دارد که در آن تمامی حقوق و تکالیف بشری بر آن استوار است. از این رو، کرامت انسانی باید به‌عنوان اساس حقوق و آزادی‌های فردی در تمامی حوزه‌های اجتماعی و حقوقی مورد توجه قرار گیرد.

کرامت انسانی اکتسابی، به مثابه یک «سخت‌افزار» است که «نرم‌افزار» حقوق بشری و حقوق شهروندی بر آن نصب می‌شود. در این زمینه، حقوق شهروندی و حقوق بشر در صورتی می‌توانند به‌طور کامل و موثر اجرا شوند که کرامت انسانی به‌طور جدی در نظام‌های حقوقی و اجتماعی مورد شناسایی قرار گیرد. این تمایز میان کرامت ذاتی و

اكتسابی به منظور اعمال قوه حاکمیت، تأمین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های عمومی ضروری است. علاوه بر آن، این تمایز برای برقراری نظم عمومی، رعایت مقتضیات اخلاقی و رفاه همگانی، موجب می‌شود که دولت‌ها در مواقع لازم، دست به تحدید و تقیید حق‌های بشری افراد بزنند.

به عبارت دیگر، کرامت انسانی به عنوان یک اصل بنیادین در حقوق بشر، زمینه‌ساز همه حقوق فردی و اجتماعی انسان‌هاست. از این رو، برقراری محدودیت‌ها یا تحدید حقوق فردی، تنها در شرایط خاصی ممکن است که رعایت کرامت انسانی و حقوق اساسی افراد در اولویت قرار گیرد. این تقییدات، همواره باید در جهت حفظ نظم عمومی و رفاه جامعه باشد و نه بر خلاف اصول بنیادین کرامت انسانی. در مواردی که این محدودیت‌ها به طور غیرمنصفانه یا غیرضروری اعمال شوند، می‌توانند موجب نقض کرامت انسان و به تبع آن تضییع حقوق بشر شوند. (جزایری، ۱۳۹۲: ۷۶)

نبود مرز شفاف بین کرامت ذاتی و اکتسابی و همچنین عدم تمایز واضح میان این مفهوم و دیگر حقوق انسان مانند حقوق شهروندی، زمینه‌ای فراهم می‌آورد که در آن سوءاستفاده از قدرت و تضییع حقوق انسان‌ها توجیه شود. این مسئله به ویژه در مواردی که قدرت‌های دولتی یا مقامات قضائی به طور غیرقانونی یا غیرانسانی اقدام به نقض کرامت افراد می‌کنند، می‌تواند تبعات منفی بسیاری داشته باشد. در چنین شرایطی، ابهام در مفهوم کرامت و حقوق انسان می‌تولند به توجیه اعمالی منجر شود که بر خلاف اصول حقوق بشر و کرامت انسانی هستند. این گونه نادیده گرفتن کرامت و حقوق انسانی ممکن است در نهایت به ایجاد شرایطی منجر شود که افراد تحت فشار یا استثمار قرار بگیرند. بنابراین، مهم است که در تمامی سطوح حقوقی، اجتماعی و سیاسی، مرزهای دقیق و روشنی بین کرامت انسانی و سایر حقوق بشر، مانند حقوق شهروندی، تعریف و رعایت شود تا از تضییع و سوءاستفاده از این حقوق جلوگیری گردد. (همان)

در نهایت، مسئله‌ی کرامت انسانی و حقوق مرتبط با آن، از جمله مواردی است که نیازمند نظارت و مراقبت مستمر از سوی مراجع قضایی و نهادهای حقوق بشری است. این نظارت باید با هدف تأمین حقوق افراد و جلوگیری از هرگونه تعرض به کرامت انسانی انجام

شود، چرا که به‌طور مستقیم با حفظ حقوق اساسی و آزادی‌های فردی افراد در ارتباط است.

### ۳-۳ اصل انتظارات مشروع

اصل انتظارات مشروع به‌عنوان اصلی برای حمایت ترمیمی از حقوق شهروندان مطرح می‌شود. منشأ این انتظارات نه شهروندان، بلکه دولتمردان هستند، چه به‌صورت فردی و چه به‌شکل گروهی و یا حقوق اخلاقی و سیاسی که از سوی نهادهای قضایی در برابر دولتمردان به‌رسمیت شناخته می‌شوند. بنابراین، اولین گام، شناسایی چنین حقوق اخلاقی از سوی مراجع قضایی است. هدف نهایی عدالت اداری این است که تصمیمات نهادها و مراجع مختلف دولتی و عمومی نزد افرادی که تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند، مشروع و قابل قبول باشد. لذا علاوه بر نقش تصمیم‌گیرندگان اولیه در چارچوب اداری، مراجع نظارتی داخلی و خارجی، مانند دادگاه‌ها و مراجع شبه قضایی، نیز می‌توانند به دستیابی به این هدف یاری رسانند. (عباسی، پیشین) گاهی تعارض زمانی میان قوانین، مقررات، مصوبات دولتی و تصمیمات و اعلامات اداری در گذشته و آینده، به تضييع حقوق مكتسب ناشی از آنها یا نادیده انگاشتن انتظارات و توقعات مشروع ناشی از آنها منجر می‌شود. این تضييع حقوق و نادیده گرفتن توقعاتی که بر اساس قانون، رویه و شرع به وجود آمده‌اند، قابل پذیرش نیست. (افشاری، ۱۴۰۱: ۹۹)

### ۴- بررسی منع بازداشت خودسرانه در حقوق بین الملل و حقوق ایران

#### ۱- تأکید بر آزادی‌های فردی و جمعی در اسناد بین‌المللی

ماده نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به روشنی بر حق آزادی و امنیت فردی تأکید دارد. در این ماده آمده است: «هرکس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچ‌کس نباید تحت بازداشت یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. همچنین، هیچ‌کس نباید از آزادی خود محروم شود، مگر بر اساس قانون و مقررات آیین دادرسی». این اصل به ضمانت اساسی آزادی فردی و جلوگیری از هرگونه بازداشت یا محرومیت خودسرانه از آزادی اشاره دارد. در همین راستا، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در اولین ماده خود، بر آزادی ملل تأکید کرده و جنبه دیگری از آزادی، یعنی حق خودمختاری ملل را مطرح می‌کند. مطابق این ماده: کلیه ملل حق خودمختاری دارند. ملل به‌موجب این حق می‌توانند وضعیت سیاسی

خود را آزادانه تعیین کرده و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را به طور مستقل دنبال کنند.

ملل حق دارند منابع و ثروت‌های طبیعی خود را تحت تصرف و استفاده آزادانه درآورند، مشروط بر اینکه این فعالیت‌ها در چارچوب همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل باشد. همچنین، هیچ ملت یا گروه انسانی نباید از منابعی که معاش آن‌ها به آن وابسته است، محروم شود. کشورهای طرف این میثاق ملزم هستند که حق خودمختاری ملل را تسهیل کنند و احترام به این حق را مطابق مقررات منشور ملل متحد رعایت نمایند.

هر دو میثاق - چه میثاق حقوق مدنی و سیاسی و چه میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - بر ضرورت صیانت از آزادی‌های فردی، جمعی و سیاسی تأکید دارند و از آن به عنوان یکی از ارکان مهم صلح، امنیت و توسعه بشری یاد می‌کنند. اما این اسناد علاوه بر تأکید بر حقوق ملت‌ها و افراد، چالش‌هایی را در سطح حقوق داخلی کشورها ایجاد کرده است. اگرچه مفاد این میثاق‌ها زمینه‌ساز حمایت از حقوق انسان‌ها و ملت‌ها در سراسر جهان است، اما ضمانت‌اجراهی آن‌ها چندان مؤثر نیست. این ضعف به دولت‌ها امکان می‌دهد تا مسائل مطروحه در میثاق‌ها را با سلايق خود تفسیر یا حتی نقض کنند (گلاش، ۱۳۳: ۲۰۱۰). در عمل، دولت‌ها بیشتر از این حقوق به نفع خود بهره می‌برند تا به نفع ملت‌ها. برای نمونه، اگرچه حق توسعه به عنوان یک حق چندبعدی شامل حقوق افراد، مردم و دولت‌ها تعریف شده است، با این حال، این حق بیشتر به عنوان یک ابزار برای دولت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، و جنبه‌های فردی و مردمی آن در بسیاری از موارد به طور جدی مورد غفلت واقع شده است. هرچند میثاق‌های بین‌المللی مصوب ۱۹۶۶ تلاش داشته‌اند آزادی‌های مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به عنوان حقوق غیرقابل چشم‌پوشی برای افراد و ملت‌ها تعریف و تضمین کنند، اما مشکلات ضمانت اجرا و بهره‌برداری از این دولت‌ها باعث شده تا این حقوق بیشتر به نفع دولت‌ها تفسیر شود تا مردم. از این رو، لازم است تمهیداتی اندیشیده شود که ابعاد فردی و جمعی این حقوق بهتر مورد توجه و اجرا قرار گیرند تا اهداف این اسناد در جهت صلح، امنیت و توسعه پایدار محقق شود.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای در دسامبر ۱۹۸۸، مجموعه اصولی را برای هدایت دولت‌ها در خصوص مسئله بازداشت به تصویب رساند. این اصول به تفصیل شرایط انسانی بازداشت را بر اساس استانداردهای حقوقی بین‌المللی تبیین می‌کنند. طبق یکی از این اصول، دستگیری، بازداشت یا زندان باید بر اساس ضوابط قانونی مشخص و توسط مقامات صالح انجام گیرد. در مجموع، تمامی اسناد و مقررات بر لزوم قانونی بودن و عدم خودسرانه بودن بازداشت تأکید دارند. هرچند در برخی موارد، مشکلات و چالش‌هایی در تطابق کامل روش‌های اجرایی با استانداردهای حقوق بشری وجود دارد، اما تلاش بر این است که حقوق افراد حتی در بازداشت حفظ شود و هرگونه بازداشت خودسرانه به عنوان نقض حقوق بشر مد نظر قرار گیرد.

#### ۲-۱-۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر

در اعلامیه جهانی حقوق بشر، منع بازداشت خودسرانه مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۳ این اعلامیه، حق آزادی و امنیت شخصی را برای همگان به رسمیت می‌شناسد و ماده ۹ بر ممنوعیت بازداشت خودسرانه تأکید دارد.

#### ۳-۱-۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

این میثاق تضمین‌های حداقلی را برای حفظ حقوق افراد بازداشت شده در نظر گرفته است. بر اساس این میثاق، هر کس که دستگیر می‌شود باید در زمان دستگیری از دلایل آن آگاه شود و به او تفهیم اتهام گردد. همچنین، باید به سرعت نزد مراجع قضایی حاضر شود و یا در مدت معقوله دادرسی یا آزاد گردد. افرادی که به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده‌اند، حق جبران خسارت دارند. (دکمگ و هنکل، ۲۰۰۷: ۹۰)

#### ۴-۱-۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

ماده ۵ این کنوانسیون بر حق امنیت و آزادی تأکید دارد. هرگونه محرومیت از آزادی باید بر اساس رویه‌ای قانونی و در چارچوب موارد خاص معین شده باشد، مانند حبس قانونی پس از تأیید محکومیت، بازداشت برای جلوگیری از جرم یا شیوع بیماری‌های خطرناک، و دیگر موارد مشخص قانونی. (طالع خرسند و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۷)

#### ۵-۱-۴ دادگاه کیفری بین‌المللی

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی همکاری بین‌المللی دولت‌ها را درخواست کرده و برای دستگیری و بازداشت موقت متهم تا زمان تحویل به دیوان، تکالیفی را بر عهده دولت‌ها گذاشته است. دیوان کیفری بین‌المللی حقوق بیشتری برای متهم در مقایسه با دادگاه‌های پیشین مانند دادگاه‌های یوگوسلاوی و رواندا در نظر گرفته است، همچون حق آگاهی از حقوق قانونی و درخواست آزادی موقت. (شوبرگ، ۲۰۰۳: ۳۲)

## ۲-۴ منع بازداشت خودسرانه در حقوق داخلی ایران

قانونگذار ایران برای تضمین هرچه بیشتر حقوق شهروندان و جلوگیری از بازداشت خودسرانه و حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، مقامات بازداشت‌کننده را به بیان دلایل بازداشت و توجیه سلب آزادی شهروندان مکلف کرده است. در قوانین داخلی ایران، علاوه بر اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی که ناظر بر منع بازداشت غیرقانونی است، ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ نیز به صراحت لزوم مستدل بودن و مستند قانونی داشتن قرار بازداشت موقت را مدنظر قرار داده است. بر اساس این ماده، مقام قضایی تحقیق‌کننده تنها در صورتی به صدور قرار تأمین کیفری اقدام می‌کند که دلایل، قرائن و امارات کافی بر وقوع جرم و انتساب آن به متهم وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، باید از صدور قرار تأمین خودداری کند. (وکیلان و درخشان، ۱۳۹۹: ۴۰۹)

همچنین، بند اول قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی نیز بر مستدل بودن و مستند قانونی داشتن سلب حق آزادی افراد تأکید کرده است. سایر بندهای این قانون درباره تأمین اهداف عدالت کیفری و دستیابی به استانداردها و موازین حقوق بشر - از جمله جلوگیری و منع بازداشت خودسرانه و پرهیز از بازداشت غیرضروری افراد و کاهش صدور قرار بازداشت و حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد - بسیار بااهمیت هستند. (ربیع، ۲۳۱: ۱۴۰۰)

قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز درباره ضرورت مستدل بودن بازداشت، همان مفاد مواد قوانین سابق را در ماده ۲۳۹ مدنظر قرار داده است. با توجه به مفاد یادشده، قوانین ایران درباره ضرورت مستدل بودن و مستند قانونی داشتن قرار بازداشت موقت با قوانین بین‌المللی

حقوق بشر به‌ویژه ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی منطبق است و هیچ‌گونه نقص و ابهامی ندارد. (همان)

در قانون این دادرسی کیفری نیز در مورد دستگیری، بازداشت و ضمانت‌های حقوقی افراد بازداشت‌شده آمده است، تاکید دارد که باید تشریفات قانونی دقیقاً رعایت شود و افراد بازداشت‌شده حق دسترسی به وکیل و محاکمه سریع داشته باشند. این مواد، اگرچه به‌طور کلی بر مصونیت از دستگیری خودسرانه تأکید دارند، اما در عمل و به‌ویژه در مواقع بحران‌های سیاسی یا اجتماعی، ممکن است در برخی موارد نادیده گرفته شوند.

قوانین و مقررات حاکم بر تعقیب و بازداشت افراد به وضوح مشخص می‌کنند که این فرایند باید بر مبنای قانون و با مجوز قانونی انجام شود. طبق اصل ۳۲ قانون اساسی، هیچ‌کس نمی‌تواند دستگیر شود، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با بیان دلایل واضح و کتبی به متهم تفهیم شود و پرونده مقدماتی باید حداکثر ظرف ۲۴ ساعت به مراجع قضایی صالح ارسال و مقدمات محاکمه فراهم گردد. افرادی که این اصل را نقض کنند، تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت. (منشور حقوق شهروندی نیز این اصول را تأیید و تقویت می‌کند) (روزبهان، ۱۳۹۴: ۴۱)

بر اساس ماده ۷۱ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۶۲) هرکس از مقامات یا مأموران دولتی بدون حکم قانونی اقدام به توقیف یا حبس شخصی کند، به حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم می‌شود. همچنین، ماده ۵۳ همین قانون مقرر می‌دارد که دادستان‌ها و دیگر مقامات قضایی اگر بدون دلایل قانونی اقدام به صدور حکم توقیف کنند، به انفصال دائم از شغل و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد. علاوه بر این، دستگیری و بازداشت اشخاص باید ضرورت داشته باشد و بدون مجوز قانونی، نگه‌داشتن متهم بیش از ۲۴ ساعت غیرقانونی است و مرتکب تحت مجازات مندرج در ماده ۵۷۰ قانون مجازات قرار می‌گیرد. اقدامات پلیس در سلب آزادی و تحدید حقوق متهم باید تنها در موارد کشف جرم مشهود و با مجوز مقامات قضایی انجام شود، در غیر این صورت اقدام آنان غیرقانونی تلقی می‌شود و دفاع مشروع در برابر آن جایز است. (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۰)

به منظور کنترل و نظارت موثر، ضابطان دادگستری موظفند زمان و جزئیات بازداشت، شامل تاریخ، ساعت، علت و اشیاء ضبط شده را صورت جلسه و به امضای متهم و خود برسانند. همچنین، بر اساس ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) تمامی اظهارات، تاریخ و مدت بازجویی‌ها باید به صورت مستند در صورت مجلس قید شوند. تخلف از این مقررات ممکن است به انفصال از خدمات دولتی منجر شود.

در نهایت، مفهوم "تحت نظر" بودن به معنای نگه داشتن فرد تحت مراقبت ضابطان تا زمان اعزام به مراجع قضایی و حداکثر به مدت ۲۴ ساعت است. هرچند در عمل، تفاوت‌های بین "تحت نظر" و "بازداشت" ممکن است رعایت نشوند و این دو مفهوم در برخی موارد یکسان تلقی گردند.

#### ۵- موارد خاص نقض مصونیت از بازداشت خودسرانه در ایران

با وجود مقررات قانونی موجود در ایران، هنوز در عمل مواردی از دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه وجود دارد. برخی از چالش‌ها و نقض‌ها عبارتند از:

#### ۱- محدودیت دسترسی به وکیل و محاکمه عادلانه

یکی دیگر از نقض‌ها، محدودیت در دسترسی به وکیل و تأخیر در برگزاری محاکمه‌ها است که حقوق فردی بازداشت‌شدگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بسیاری از موارد، افراد بازداشت شده برای مدت طولانی بدون محاکمه عادلانه و بدون اطلاع رسانی مناسب در مورد حقوق خود در بازداشت می‌مانند. (ریانی موسویان، ۱۴۰۱: ۴۱۱)

#### ۲- عدم تضمین حقوق اساسی در بازداشت‌ها

در برخی موارد، شرایط بازداشت می‌تواند به طور مستقیم بر حقوق بازداشت‌شدگان تأثیر بگذارد، از جمله شکنجه، رفتارهای غیرانسانی و محرومیت از حق دفاع مؤثر. این موارد در تضاد با اصول حقوق بشری قرار دارند و نیازمند اصلاحات جدی در سیستم قضائی و اجرایی کشور هستند. (زارعیان چناری و غلامزاده دهنوی، ۱۳۹۷: ۱۸۹)

در برخی مواقع، به‌ویژه در بحران‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی، شاهد دستگیری‌های خودسرانه هستیم که بدون حکم قضائی و با بهانه‌های

امنیتی صورت می‌گیرد. این اقدامات معمولاً با استفاده از اتهامات مبهم و بدون ارائه دلیل شفاف به افراد بازداشت شده همراه است. یکی از مسائل مهم در بازداشت موقت که توجه حقوقدانان را به خود جلب کرده، موضوع مدت زمان بازداشت موقت است. تغییر عنوان آن از “توقیف احتیاطی” به “بازداشت موقت” بر اساس قانون ژوئیه ۱۹۷۰ فرانسه، تأکیدی بر موقتی بودن و محدودیت زمانی این اقدام حقوقی است. با این حال، چنانچه مدت بازداشت در قانون مشخص نشده باشد، افرادی که با قرار بازداشت موقت زندانی شده‌اند، ممکن است به دلیل تراکم پرونده‌ها یا ضرورت تکمیل تحقیقات برای مدت طولانی‌تری در زندان بمانند. این موضوع زیان‌های جبران‌ناپذیری به همراه دارد، به‌ویژه هنگامی که بازداشت بدون صدور محکومیت نهایی پایان یابد یا حتی محکومیت دادگاه کمتر از مدت بازداشت متهم باشد. ایجاد محدودیت زمانی برای بازداشت موقت گامی اساسی در راستای حمایت از حقوق متهم، جلوگیری از بازداشت‌های طولانی‌مدت غیرضروری و تسریع در فرآیند دادرسی است. این اصلاحات که مطابق با اسناد بین‌المللی حقوق بشر انجام شده، به تضمین دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم کمک می‌کند. کوتاه شدن مدت زمان بازداشت موقت و الزام به مستند بودن دلایل آن، علاوه بر حمایت از حقوق افراد، می‌تواند در رفع مشکلات ناشی از تراکم کلی پرونده‌های قضایی نیز موثر باشد. (همان)

#### ۶- جبران خسارت

ایجاد امکان جبران خسارت ناشی از بازداشت در صورت صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب متهم، یکی از نوآوری‌های قابل توجه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. طبق ماده ۲۵۵ این قانون، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی یا دادرسی، به هر دلیلی بازداشت شده‌اند و در نهایت با حکم برائت یا قرار منع تعقیب مواجه می‌شوند، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ همین قانون، خسارات ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

با وجود این صراحت، ماده ۲۵۶ این قانون دایره شمول جبران خسارت را محدود کرده است. بر اساس این ماده، شخص بازداشت‌شده مستحق مطالبه خسارت نخواهد بود در مواردی که: الف) بازداشت ناشی از خودداری شخص از ارائه اسناد، مدارک یا دلایلی باشد که نشان‌دهنده بی‌گناهی اوست.

ب) شخص برای فراری دادن مرتکب جرم، خود را در معرض اتهام و بازداشت قرار داده باشد.  
 پ) فرد به هر دلیلی خود باعث بازداشت غیرقانونی خویش شده باشد.  
 ت) شخص هم‌زمان به دلیل دیگری به‌طور قانونی بازداشت شده باشد.

ماده ۲۵۷ این قانون تصریح می‌کند که شخص بازداشت‌شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی بر بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به «کمیسیون استانی رسیدگی به خسارت»، متشکل از سه قاضی دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه، تقدیم کند. این کمیسیون در صورت احراز شرایط قانونی، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. اگر درخواست رد شود، شخص می‌تواند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، به کمیسیون ملی جبران زیان اعتراض کند. به موجب ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری، این کمیسیون ملی از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان او و دو قاضی دیوان عالی تشکیل می‌شود. رأی این کمیسیون قطعی است. طبق ماده ۲۵۹، جبران خسارت بر عهده دولت است. در صورتی که بازداشت به دلیل اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب یا قصور مقامات قضائی باشد، دولت می‌تواند پس از پرداخت خسارت به زیان‌دیده، به عامل اصلی مراجعه کند. اصل جبران خسارت در ایران، اگرچه در ماده ۱۷۱ قانون اساسی پیش‌بینی شده، اما تاکنون سازوکار اجرایی کاملی برای تحقق آن جز در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ وجود نداشته است. در مواردی که بازداشت یا توقیف متهم ناشی از سوءنیت قاضی باشد، دولت حق دارد پس از جبران خسارت، به قاضی متخلف مراجعه نماید. با این حال، محدودیت‌های ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی دامنه مسئولیت دولت را محدود کرده و نیازمند اصلاحات قانونی در مراحل آتی است. (کوشا و دیگران، ۱۳۹۹:۲۳۷)

علاوه بر این، قانونگذار در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ انواع ضرر و زیان قابل مطالبه توسط مدعی را به سه دسته تقسیم کرده است:

- ۱- ضرر و زیان مادی
- ۲- ضرر و زیان معنوی
- ۳- منافع ممکن‌الحصول

طبق تبصره ۱ ماده ۱۴، زیان معنوی شامل صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر مانند الزام به عذرخواهی یا درج حکم در جراید نیز اقدام کند. همچنین، بر اساس تبصره ۲، منافع ممکن‌الحصول تنها در مواردی قابل مطالبه است که صدق اتلاف نماید و این مقررات شامل جرائم مستوجب تعزیرات شرعی و دیه نمی‌شود.

ناگفته نماند که ضرر و زیان معنوی به دو دسته تفکیک می‌شود:

- ۱- صدمات روحی (صدمه به احساسات و عواطف انسانی).
- ۲- آسیب به حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی مدعی خصوصی. (ناصری و نجفی، ۱۳۹۵: ۷۸)

این مقررات، ضمن شناسایی حقوق قربانیان بازداشت‌های ناعادلانه، نشان‌دهنده پیشرفت در حوزه تضمین عدالت و رعایت کرامت انسانی است.

#### نتیجه گیری

حقوق بنیادین هر انسان شامل آزادی‌های فردی از جمله آزادی رفت‌وآمد است، که در هسته مرکزی آن حق هر فرد برای عدم دستگیری یا توقیف غیرقانونی قرار دارد. این اصل که بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی و سایر اسناد بین‌المللی تأسیس شده، از حقوقی است که باید در سیستم حقوقی هر کشوری گنجانده شود و به‌طور کامل مورد احترام قرار گیرد. ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند که «هیچ‌کس را نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد» که به‌طور صریح بر ممنوعیت هرگونه دستگیری یا بازداشت بدون مجوز قانونی تأکید دارد. این ماده، در حالی که به‌طور عمومی و آرمانی بیان شده است، در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که ایران نیز در تاریخ ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۲ به آنها ملحق شده، جزئیات اجرایی بیشتری دارد. بند اول ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد.

هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون». این اصول در نظام حقوقی ایران نیز گنجانده شده و در قوانین داخلی از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون آیین دادرسی کیفری که در آنها بر اهمیت رعایت حقوق فردی تأکید شده است، مورد اشاره قرار گرفته است. در تاریخ نظام قانون‌گذاری ایران، از متمم قانون اساسی مشروطه (۱۲۸۶) تا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸) و دیگر مقررات داخلی، تلاش شده تا به‌طور جدی از دستگیری‌های خودسرانه جلوگیری شود. در متمم قانون اساسی مشروطه، اصل دهم صراحتاً می‌گوید که «غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچ کس را نمی‌توان فوراً دستگیر نمود مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت به او اعلام و اشعار شود». این اصل بر ضرورت وجود حکم قضائی برای دستگیری تأکید می‌کند و به‌طور مشخص شرایطی را برای جلوگیری از بازداشت‌های غیرقانونی در نظر می‌گیرد. با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول مرتبط با حقوق ملت به‌طور مفصل‌تری تنظیم شده است. طبق اصل ۳۲ قانون اساسی، هیچ کس نمی‌تواند دستگیر شود مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. علاوه بر این، طبق این اصل، اتهام فرد بازداشت شده باید بلافاصله و کتبا به او اطلاع داده شود و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع قضائی ارسال گردد. این قوانین در جهت محافظت از آزادی فردی و پیشگیری از هرگونه دستگیری غیرقانونی طراحی شده‌اند. در کنار این، قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) نیز برای مقابله با دستگیری‌های خودسرانه جرم‌انگاری کرده است و بر اساس ماده ۵۸۳ این قانون، هر شخصی که اقدام به بازداشت غیرقانونی کند، چه مقام دولتی باشد چه غیر آن، به مجازات حبس یا جزای نقدی محکوم خواهد شد. اما باید توجه داشت که در صورت وقوع بازداشت غیرقانونی، مرجع صالح برای رسیدگی به این امر نیز مشخص است. در صورت ارتکاب این جرم توسط یک شهروند عادی، دادگاه کیفری ۲ محل وقوع جرم صلاحیت رسیدگی دارد. در حالی که اگر مرتکب از مقامات عالی‌رتبه کشور مانند رؤسای قوای سه‌گانه یا نمایندگان مجلس باشد، طبق ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به این پرونده‌ها در دادگاه‌های کیفری تهران خواهد بود. همچنین، در صورتی

که افسران نظامی یا انتظامی از درجه سرتیپ به بالاتر در انجام این جرم دخیل باشند، دادگاه‌های کیفری تهران یا دادگاه‌های نظامی تهران به این پرونده رسیدگی خواهند کرد. علاوه بر این، در مورد روحانیون نیز اگر بازداشت غیرقانونی توسط آنها صورت گیرد، با توجه به بند (الف) ماده ۱۳ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای ویژه روحانیت (اصلاح‌شده در سال ۱۳۸۴)، رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادرها و دادگاه ویژه روحانیت قرار دارد. این نوع تقسیم‌بندی، بر لزوم برابری افراد در برابر قانون تأکید دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند از اصول حقوق بشر مستثنی باشد. در نهایت، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳) در بند (۵) خود به صراحت از اصل منع دستگیری و بازداشت افراد حمایت کرده است و بر این نکته تأکید می‌کند که حتی در موارد ضروری نیز باید طبق حکم و ترتیبی که در قانون معین شده، اقدام شود و پرونده به مراجع قضائی صالح ارسال گردد. علاوه بر این، باید خانواده‌های افراد دستگیرشده نیز در جریان قرار گیرند تا از هرگونه سوءاستفاده یا نقض حقوق افراد جلوگیری شود. در مجموع، قوانین جمهوری اسلامی ایران از اصول حقوقی بین‌المللی در زمینه منع دستگیری خودسرانه تبعیت کرده و به‌طور دقیق‌تری در قوانین داخلی این موضوع را به رسمیت شناخته است. با این حال، در عمل نیاز به نظارت دقیق‌تر، اجرای مؤثرتر و بازنگری در برخی از قوانین و مقررات اجرایی وجود دارد تا این اصول در سطح عملیاتی به‌طور کامل رعایت شود و از هرگونه نقض حقوق بشر جلوگیری گردد. اصول حقوق بشر می‌توانند از طریق تأثیرگذاری بر قوانین داخلی ایران و اصلاح رویه‌های قضائی و اداری، به کاهش میزان بازداشت‌ها و دستگیری‌های خودسرانه کمک کنند. پیشنهادها مطرح‌شده عبارتند از تقویت نظارت قضایی و تضمین حقوق افراد بازداشت‌شده، که می‌تواند تضمین بیشتری برای رعایت عدالت و حفظ کرامت انسانی فراهم کند. با اعمال این اصلاحات، ایران می‌تواند هم‌راستا با تعهدات بین‌المللی خود، به سطح بالاتری از حفاظت حقوق بشر دست یابد. در تحلیل و بررسی تطبیقی میان قوانین داخلی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مشاهده می‌شود که ایران در قوانین خود به‌ویژه در اصول ۳۲ و ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون آیین دادرسی کیفری به‌طور صریح بر ممنوعیت دستگیری و بازداشت خودسرانه تأکید دارد. این اصول در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که در ماده ۹، آزادی فردی و مصونیت از دستگیری

خودسرانه را به‌عنوان یک حق بنیادین به رسمیت می‌شناسد. با این حال، علی‌رغم وجود این قوانین و اصول، در عمل و به‌ویژه در مواقع بحران‌ها و شرایط خاص، موارد نقض این اصول در ایران مشاهده می‌شود. برای مثال، دستگیری‌های خودسرانه با بهانه‌های امنیتی یا سیاسی، تأخیر در دسترسی به وکیل و عدم رعایت اصول محاکمه عادلانه، از جمله مواردی هستند که به‌طور مکرر در ایران مطرح می‌شوند. در مقایسه با کشورهای پیشرفته، مانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آمریکا، که نظارت قضائی مستقلی بر فرآیندهای دستگیری و بازداشت دارند، ایران نیازمند تقویت سازوکارهای نظارتی و مستقل برای جلوگیری از دستگیری‌های خودسرانه است. در این کشورها، نهادهای قضائی مستقل و ارگان‌های نظارتی دقیقاً بر روند بازداشت‌ها و حقوق افراد بازداشت‌شده نظارت می‌کنند و هرگونه نقض حقوق بشر سریعاً گزارش و بررسی می‌شود. این نهادها همچنین امکان شکایت سریع از دستگیری‌های غیرقانونی را برای افراد فراهم می‌آورند و می‌توانند با صدور دستورات قضائی فوری، موارد نقض حقوق بشر را کاهش دهند. در حالی که در ایران، علی‌رغم وجود قوانین حمایتی، گاهی مقامات قضائی و انتظامی از آن قوانین به‌طور کامل پیروی نمی‌کنند و این امر موجب ایجاد فضای مبهم و غیرشفاف برای افراد بازداشت‌شده می‌شود. در اسناد بین‌المللی، بر اهمیت دسترسی به وکیل و محاکمه سریع و عادلانه تأکید ویژه‌ای شده است. در ماده ۹ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نه تنها بر مصونیت از دستگیری خودسرانه، بلکه بر حق دسترسی سریع به وکیل و امکان محاکمه عادلانه تأکید شده است. در ایران، اگرچه در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری این اصول مورد حمایت قرار گرفته است، اما در عمل، محدودیت‌هایی برای دسترسی فوری به وکیل و تأخیر در برگزاری محاکمه‌ها وجود دارد. این موضوع به‌ویژه در موارد دستگیری‌های خودسرانه و در شرایط خاص سیاسی یا امنیتی بیشتر نمود پیدا می‌کند. در بسیاری از موارد، افراد بازداشت‌شده نمی‌توانند به‌طور مؤثر از حق دفاع خود استفاده کنند و در نتیجه حقوقشان به‌طور جدی نقض می‌شود. در مجموع به نظر می‌رسد، ایران برای هم‌راستا شدن با استانداردهای بین‌المللی و تقویت رعایت حقوق بشر در نظام قضائی خود، نیازمند اصلاحات جدی در قوانین و ساختارهای اجرائی است. اصلاحات پیشنهادی شامل تقویت نظارت قضائی و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل، تضمین دسترسی به وکیل و برگزاری محاکمه‌های

عادلانہ در اسرع وقت، و اصلاح قوانین به‌ویژه قانون آیین دادرسی کیفری است. با ایجاد این تغییرات، ایران می‌تواند دستگیری‌های خودسرانه را به حداقل برساند و روند قضائی خود را به‌طور مؤثری به سمت شفافیت، عدالت و رعایت حقوق بشر هدایت کند. همچنین، آموزش و آگاهی‌بخشی به مقامات قضائی و انتظامی درباره اهمیت رعایت حقوق بشر و حقوق فردی در برخورد با بازداشت‌شدگان، می‌تواند به ایجاد فرهنگ قضائی مبتنی بر حقوق انسان‌ها کمک کند و اعتماد عمومی را به نظام قضائی کشور بازگرداند.

#### پیشنهادها

برای بهبود وضعیت حقوق بشر و کاهش دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه در ایران، می‌توان سه پیشنهاد اجرایی، تقنینی و کاربردی ارائه داد:

۱. ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و مؤثر که بر عملکرد نیروی انتظامی و قضائی در موارد دستگیری و بازداشت نظارت کنند. این نهادها باید توانایی رسیدگی فوری به شکایات و ارائه گزارش‌های شفاف در مورد موارد نقض حقوق بشر را داشته باشند. وجود چنین نهادهایی می‌تواند به افراد بازداشت‌شده اطمینان دهد که حقوقشان مورد احترام قرار می‌گیرد و هرگونه تخطی از قوانین به سرعت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. اصلاح و به‌روزرسانی قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مرتبط به‌گونه‌ای که اصول حقوق بشر، به‌ویژه مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه، به‌طور مؤکدتری در آنها مورد توجه قرار گیرد. این تغییرات باید شامل تضمینات قانونی برای دسترسی بلافاصله به وکیل و شفافیت در فرآیندهای قضائی باشد و همچنین محدودیت قانونی صریح‌تری برای دستگیری‌های خودسرانه وضع کند.

۳. راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی برای مقامات قضائی و انتظامی که محوریت آنها بر شناخت اصول حقوق بشر و اهمیت رعایت قوانین و فرآیندهای قضائی در برخورد با افراد بازداشت‌شده باشد. این آموزش‌ها می‌توانند به افزایش آگاهی و تقویت فرهنگ رعایت حقوق انسانی در سطح اجرایی و کاربردی کمک کرده و از بروز موارد نقض حقوق بشر جلوگیری کنند.

## فهرست منابع

## ۱-منابع فارسی

## الف-کتب

- ۱- جزایری، سید عباس (۱۳۹۴) امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، سامان دانش، چاپ اول، تهران.
- ۲- خاکپور، ابراهیم (۱۳۹۶) حداقل استانداردهای حقوق بین الملل بشر دوستانه به انضمام اسناد مهم و کاربردی حقوق بین الملل، انتشارات شاپرک سرخ، تهران.
- ۳- روزبهان، محسن (۱۳۹۴) حق انسان بر آزادی رفت و آمد، در نظام بین المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران، انتشارات میزان، تهران.
- ۴- طالع خرسند، هادی و دیگران (۱۳۹۶) مجموعه اسناد حقوق بین الملل عمومی، حقوق بین المللی معاهدات، حقوق سازمانهای بین المللی، انتشارات خرسندی، تهران.
- ۵- عباسی، بیژن (۱۳۹۵) حقوق بشر و آزادی های بنیادین، انتشارات دادگستر، تهران.
- ۶- علیخواه، معصومه (۱۳۹۸) امنیت قضایی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد حقوق شهروندی، انتشارات حقوق شهروندی، تهران.
- ۷- محمدی کشکولی، محمد رضا (۱۳۹۸) امنیت قضایی شهروندان، چاپ اول، انتشارات مهرکلام، تهران.
- ۸- معین، محمد (۱۳۸۲) فرهنگ فارسی، جلد ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.

## ب-مقالات

- ۱- افشاری، علی اصغر (۱۴۰۱) قاعده منع تبعیض در حقوق بین المللی بشر و امکان سنجی گذار از قوانین تمایز گذار حقوق اسلامی، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره بیست و نهم، بهار و تابستان.
- ۲- چلله چلله، فرشید (۱۳۸۹) عنوان های مجرمله ادم ربایی و بازداشت غیر قانونی، ماهنامه دادرسی، شماره ۷۹، سال چهاردهم، فروردین و اردیبهشت.
- ۳- ربانی موسویان، سید علی (۱۴۰۱) بررسی تطبیقی نقش قانون در توسعه پایدار (مطالعه موردی امنیت قضایی با تکیه بر بازداشت غیر قانونی) فصلنامه فقه جزایی تطبیقی، دوره دوم، شماره سوم، پاییز.
- ۴- ربیع، علیرضا (۱۴۰۰) بازداشت های غیر قانونی، فصلنامه بین المللی قانون یار، شماره ۲۰، زمستان.
- ۵- رحمدل، منصور (۱۳۹۴) سلب آزادی از اشخاص در قانون مجازات اسلامی با نگاهی به قانون اساسی، دو فصلنامه حقوق اساسی، سال دوازدهم، پاییز و زمستان.

- ۶- رهامی، محسن و ابانکاه، محمد (۱۳۹۰) بررسی و مقایسه جرایم بازداشت غیر قانونی و ادم ربایی در حقوق جزای ایران، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل بهار ۱۳۹۰ - شماره ۱۱ .
- ۷- زارعیان چناری، حسین و غلامزاده دهنوی، جواد (۱۳۹۷) بررسی قاعده منع بازداشت غیر قانونی و خودسرانه در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی حقوق بشر، مطالعات حقوق بشر اسلامی سال هفتم پاییز و زمستان، شماره ۱۵.
- ۸- شجاعی، عباس و دیگران (۱۳۹۷) نگاهی به آزادی های فردی و جمعی در پرتو حقوق بین الملل، سال سوم، شماره شش (پیاپی ۱۴)، اسفند.
- ۹- صادقی زیاری، حاتم و ابراهیمی منش، مهران (۱۳۹۳) حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق ایران با نگاهی به نوآوری های قانون این دادرسی کیفری، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان.
- ۱۰- کوشا، جعفر و دیگران (۱۳۹۹) بررسی جبران خسارت ناشی از بازداشت غیر قانونی در نظام کیفری ایران و جمهوری خلق چین، فصلنامه علمی دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۲۵، شماره ۸۹، بهار.

استناد:

سعیدی، محمد، عباسی، بیژن، رستمی، ولی. تأثیر اصول حقوق بشر بر مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه در حقوق و سیاست ایران. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران ۱۴۰۴،

<http://doi.org/10.30510/pssci.2025.499562.1212>